

پروژه آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه

اعظم محمدی خسروی^۱

بهزاد شاهنده^{۲*}

سید اسدالله اطهری^۳

داوود هرمیداس باوند^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۸

چکیده

پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) ترکیه، یکی از بحث برانگیزترین و بزرگ‌ترین پروژه‌های موجود در سراسر جهان است که محل اجرای پروژه مناطق کردنشین ترکیه است. هدف عمده پروژه ساخت ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق بر روی رودخانه‌های دجله و فرات به همراه توسعه شبکه‌های آبیاری برای تولید انرژی و آبیاری ۱/۸ میلیون هکتار زمین اعلام شده است. بسیاری از محققان اجرای پروژه را در راستای حل مسئله کردی در ترکیه می‌دانند. پرسش این است پروژه گاپ چه تأثیری بر بحران هویت و هویت کردها در ترکیه داشته است؟ پاسخ به این پرسش در قالب فرضیه پژوهش این خواهد بود که سیاست‌های آبی ترکیه در قالب پروژه گاپ بخشی از استراتژی ترکیه برای حل بحران هویت واز بین بردن هویت کردی در این کشور است. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و نظریه بحران لوئیس پای حاکی از آن بوده که ترکیه از ابتدای تأسیس با بحران هویت مواجه و با استفاده از پروژه گاپ و روش‌های همگون‌سازی ناشی از آن مانند کوچ اجباری مردم کرد منطقه گاپ، تخریب آثار باستانی و نشانه‌های فرهنگ و هویت کردی و بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه کردی به دنبال حل بحران هویت است اما پروژه گاپ نتوانسته بحران هویت و مسئله کردی در ترکیه را حل کند و پیامدهای از قبیل جابه‌جایی جمعیت، تخریب محیط زیست و تخریب میراث فرهنگی کردها را به همراه داشته است. همچنین این پروژه نقض ماده اول اعلامیه حقوق بشر، مواد ۲۶، ۲۷ و ۲۹ قطعنامه رعایت جوامع بومی و کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی است.

واژگان کلیدی: گاپ، بحران هویت، کردها.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد (مدعو) گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: berniukchina@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۴. استادیار (مدعو) گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ترکیه جزء کشورهای جدیدی است که پس از تجزیه امپراطوری عثمانی و در فرایند دولت - ملت سازی بر بقایای عثمانی ایجاد شده است. ترکیه در غرب آسیا واقع شده و کشوری با فرهنگ آسیایی - اروپایی است. می توان گفت که مهم ترین همسایه ایران ترکیه است که از نظر ژئواستراتژیک از موقعیت برجسته ای در اتصال اروپا - آسیا برخوردار است. از ترکیه به عنوان یک محور ژئوپلتیک (جغرافیایی - سیاسی) نام برده می شود. ترکیه در مرکز مثلث بی ثبات و بحران خیز بالکان، قفقاز و خاورمیانه است. اکثریت قومی مردم ترکیه، ترک هستند. اما در این کشور اقلیت های قومی دیگری به جز ترک ها شامل کردها، گرجی ها، ارمنه، اعراب و یونانی ها نیز زندگی می کنند. بزرگ ترین اقلیت قومی این کشور کردها هستند که حدود ۲۰ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می دهند. کردها عمدتاً در جنوب شرقی ترکیه ساکن هستند. پس از تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ در قانون اساسی این کشور فقط هویت ترکی به رسمیت شناخته شد. آتاترک کردها را ترک های کوهی نامید که باید متمدن شوند. کردها برای حفظ هویت خود در برابر دولت ترک مقاومت نمودند. مبارزات بین کردها و دولت ترکیه تا به امروز باعث کشته شدن بیش از ۴۰۰۰۰ هزار انسان از دو طرف شده است. به تبع این مقاومت مناطق جنوب شرق ترکیه از فرایند توسعه همگام با سایر نقاط ترکیه دور نگه داشته شده و جزء محروم ترین و عقب افتاده ترین مناطق ترکیه هستند. این منطقه کوهستانی و دارای کوه های برف گیر و منابع آبی بسیار است. رود دجله و فرات از آن سرچشمه می گیرند که علاوه بر تأمین آب مردم آنجا بخش بزرگی از نیاز آبی کشورهای همسایه ترکیه، عراق و سوریه را نیز تأمین می کنند. دولت ترکیه در راستای حل مسئله کردی و بحران هویت ایجاد شده اقدام به ایجاد سد بر روی رودهای دجله و فرات برای استفاده از پتانسیل آبی منطقه نمود. تمامی اقدامات در این راستا در زیر چتر یک پروژه به نام گاپ قرار داده شدند. پروژه گاپ یکی از بحث برانگیزترین و بزرگ ترین پروژه های موجود در سراسر جهان است. وقتی که گاپ به طور رسمی در سال ۱۹۷۷ شروع شد هدف عمده پروژه ساخت ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق بر روی رودخانه های دجله و فرات به همراه توسعه شبکه های آبیاری به ترتیب برای تولید انرژی برق - آبی و

آبیاری ۱/۸ میلیون هکتار زمین در منطقه جنوب شرقی آناطولی بود. دامنه این پروژه طی دهه‌های بعد به‌طور چشمگیری گسترش یافته است. به دنبال این گسترش، چند بعدی بودن گاپ و پیامدهای جانبی آن واضح‌تر شده است. این پروژه منازعات بین‌المللی را از لحاظ مسئله کردی و تقسیم آب در میان ترکیه، سوریه و عراق و همچنین اختلاف نظرهای داخلی در مورد تخریب محیط زیست، سیلابی کردن مکان‌های تاریخی و آوارگی مردم محلی ایجاد کرده است. گاپ چیست؟ و چه تأثیری بر بحران هویت ترکیه داشته است؟ فرضیه ما این است که سیاست‌های آبی ترکیه در قالب پروژه گاپ بخشی از استراتژی ترکیه برای از بین بردن هویت کردی و حل بحران هویت در این کشور است. هدف مقاله پاسخ به این پرسش و بررسی فرضیه به روش تحلیلی - توصیفی است و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات جمع‌آوری شده‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

باتوجه به آثار و پیامدهای پروژه گاپ و طولانی مدت بودن آن (بیش از چهل سال)، در ترکیه و فضای بین‌المللی مطالعات گسترده‌ای پیرامون آن صورت گرفته است. بررسی گاپ از دیدگاه گفتمان توسعه نشان‌دهنده آن است که گاپ در دهه ۱۹۷۰ عمده‌تأ فنی، دولتی، زیرساختی و پروژه توسعه اقتصادی بود. پروژه تکامل یافته و به پروژه عمده‌تأ اجتماعی، سیاسی، تجاری، پایدار و انسان محور تبدیل شده است. این تغییر تکامل یافته گاپ با بی‌ثباتی فضای توسعه و گفتمان توسعه در جهان مرتبط است. گاپ تا حد زیادی محصول مفاهیم، هنجارها و معیارهای وام گرفته شده از جاهای دیگر بدون در نظر گرفتن تناسب آن با شرایط محلی، حساسیت‌ها، نگرانی‌ها و خواسته‌های داخلی تنظیم شده است. بسیاری از مفاهیم و اهداف و فعالیت‌ها تحت‌عنوان گاپ مثل سدسازی، تولید انرژی، آبیاری، پایداری، توانمندسازی زنان و امنیت با یکدیگر تضاد دارند. گاپ هرگز یک پروژه یکپارچه نبوده است بلکه یک چتر بوده که طیف وسیعی از پروژه‌های فرعی را در بر گرفته است (Bilgen, 2018: 151). بررسی ابعاد اقتصادی حاکی از آن است که گرچه گاپ دارای دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجه است اما به علت پیامدهای ناشی از ساخت سدهای بزرگ، اسکان مجدد، جنبه‌های زیست محیطی،

فرهنگی و مباحث مرتبط با اشتراک گذاری آب با سوریه و عراق به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است (kpinar,2013:981). ساخت سد دارای اثرات متفاوت بر روی افراد مختلف است و کسانی که از لحاظ دارایی وضعیت مناسب تری دارند انعطاف بیشتری نیز نشان دادند و زمینه بیشتری برای مشارکت زنان از لحاظ تحصیل و اشتغال ایجاد شده است (Kurt,2013: 245). پروژه گاپ ناقض ماده اول حقوق بشر است^۱ و تعدد سدهای ایجاد شده بر روی رودهای دجله و فرات ناقض مواد پنج^۲، شش^۳ و هفت^۴ کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ سازمان ملل می‌باشد. با توجه به خطر افتادن شرایط زیست محیطی به وسیله پروژه گاپ، آن تهدید جدی برای حاکمیت ایران بر مرزهای غربی و جنوبی است. این پروژه همچنین دارای آثار مخربی از قبیل زوال تمدن در خاورمیانه، نابودی اروندرود، خشک شدن هورهای سه گانه، تبدیل تالاب هورالعظیم به بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه، درگیر شدن ۲۵ استان غربی و مرکزی ایران با معضل ریزگرد، به زیر آب رفتن و محو آثار باستانی در ترکیه، از بین رفتن ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک ترکیه و کوچ حدود ۵۵۰۰ نفر از کردهای جنوب شرقی آناتولی، محرومیت ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی کشور عراق از آبیاری، نابودی بیش از ۶/۵ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی سوریه و عراق و ایجاد کانون‌های تولید گرد و خاک و فرسایش بادی و حرکت آن به سمت ایران می‌باشد (قمرنیا و گلچین، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۰). تخریب اکوسیستم‌های جنوب عراق، بروز پدیده

۱. همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت خرد و وجدان هستند و با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند.
۲. کشورهای آبراهی باید از یک آبراه بین‌المللی که قسمتی از آن در قلمروشان قرار گرفته است به شیوه‌ای منصفانه و معقولانه بهره‌برداری کنند. به ویژه یک آبراه بین‌المللی باید توسط کشورهای آبراهی با این دیدگاه مورد استفاده و توسعه قرار گیرد که استفاده حداکثری و پایدار از آن و منافع آن بدست آید، در حالی که منافع کشورهای دیگر مربوط به همراه حفاظت کافی از آبراه مورد لحاظ قرار گیرد.
۳. کشورهای آبراهی باید در استفاده، توسعه و حفاظت از یک آبراه بین‌المللی با شیوه‌ای منصفانه و معقول مشارکت نمایند. چنین مشارکتی هم شامل حق بهره‌برداری از آبراه و هم وظیف همکاری در حفاظت و توسعه آن، آنچنان که در موارد حاضر کنوانسیون آمده است، می‌شود.
۴. کشورهای آبراهی باید در بهره‌برداری از یک آبراه بین‌المللی در قلمرو خودشان کلیه اقدامات لازم را در جهت جلوگیری از عوامل زیان زنده عمده به کشورهای آبراهی دیگر انجام دهند.

ریزگرد و غبارها در کشورهای همسایه، به زیر آب رفتن برخی مناطق در ترکیه، مهاجرت اجباری برخی از اقلیت‌های کرد ترکیه و برخی از بومیان جنوب عراق و استان‌های غربی ایران از پیامدهای پروژه گاپ می‌باشد که نقص مواد ۲۶^۱، ۲۷^۲ و ۲۹^۳ قطعنامه رعایت جوامع بومی و همچنین ماده اول اعلامیه حقوق بشر و نیز کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی است (عصاری، ۱۳۹۷: ۱۰۹). پروژه گاپ بر زندگی کردهای ترکیه تأثیر منفی به ویژه از منظر اقتصادی و حقوق مالکیت داشته است. از اهداف ترکیه کاهش انگیزه مردم برای حمایت از گروه‌های جدایی طلب و تقویت هویت ملی ترکیه است. پروژه گاپ به دلیل ساختار مالکیت زمین و فئودالیسم نتوانسته باعث بهره‌وری و مدرنیزه شدن شود. ۱۱ سد گاپ در استان‌های حکاری و سیماک در مرز عراق برای جلوگیری از عبور مبارزان پ.ک.ک ساخته شده است. گاپ در سطح منطقه نیز دارای اثرات قابل توجه بوده و باعث متلاشی شدن سوریه شده است (Tsakalidou, 2013:ETH Zurich). برنامه توسعه آب گاپ توسط دولت ترکیه به عنوان ابزار جنگ با (پ.ک.ک)؛ مورد استفاده سیاسی قرار گرفته است که منجر به جابجایی جمعیت، تولید مرزهای طبیعی و تخریب فرهنگی شده است. بین گاپ و درگیری پ.ک.ک - دولت ترکیه ارتباطی چند بعدی وجود دارد و مهم این است که چنین ارتباط پیچیده و چند بعدی

۱. ماده ۲۶: ۱- مردمان بومی نسبت به زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابعی که به طور سنتی در مالکیت آنان بوده، تصرف کرده یا به گونه‌ای دیگر از آن استفاده کرده یا به دست آورده‌اند، حق دارند. ۲- مردمان بومی حق تملک، استفاده و بهره‌برداری و کنترل زمین‌ها و منابعی را دارند که به دلیل مالکیت سنتی یا سایر شیوه‌های تصرف یا کاربرد سنتی در اختیار دارند و یا به گونه‌ای دیگر به دست آورده‌اند. ۳- کشورها باید این زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع را از نظر حقوقی شناسایی و محافظت کنند. این گونه شناسایی باید با احترام لازم به عادات، سنت‌ها و نظام‌های مردمان بومی مربوطه در زمینه تصرف سنتی زمین، انجام شود.

۲. ماده ۲۷: کشورها باید با همکاری مردمان بومی مربوطه فرآیندی عادلانه، مستقل، بی‌طرفانه، باز و شفاف تدوین و اجرا کنند که در آن قوانین، سنت‌ها، عادات و رسوم و نظام‌های سنتی مردمان بومی در زمینه تصرف به گونه‌ای مقتضی به رسمیت شناخته شده، حقوق مردمان بومی در رابطه با زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع آنان، از جمله آن‌هایی که از قدیم در مالکیت آنان بوده یا به گونه‌ای دیگر تصرف شده یا مورد استفاده قرار گرفته به رسمیت شناخته و داوری شود. مردمان بومی باید حق مشارکت در این برنامه داشته باشند.

۳. ماده ۲۹: مردمان بومی حق دارند از محیط زیست و ظرفیت و توانایی حاصلخیزی زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع خود حفاظت و مراقبت برنامه‌های کمکی برای مردمان بومی ایجاد و اجرا کنند.

4. Partîya Karkerên Kurdistan (PKK)

نباید به وسیله کسانی که با رفاه مردم در جنوب شرقی آناتولی یا به وسیله کسانی که به دستیابی صلح میان دولت ترکیه و پ.ک.ک کمک می‌کنند نادیده گرفته شود. اهداف سیاسی ترکیه از پروژه گاپ نباید توسط سرو صداهای دولت ترکیه که پروژه گاپ را یک پروژه توسعه‌ای معرفی می‌کند پنهان بماند (Meijer, 2018: 12). پروژه گاپ ترکیه به جز آثار زیست محیطی و اقتصادی دارای پیامدهای سیاسی قابل توجه نیز می‌باشد و مطالعه این پیامدها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل وجود اقوام مشترک آذری و کرد در مرزهای ایران و ترکیه قطعاً ایران از هر گونه تأثیر سیاسی و اجتماعی این پروژه بر مردم کرد ترکیه و بحران هویت آن کشور تأثیر خواهد پذیرفت. سیاست‌های آبی ترکیه ابتدا باعث تخریب محیط زیست می‌شود و این تخریب مقدمات شکاف‌های اجتماعی و اشکال جدیدی از تعارضات قومی و مذهبی را ایجاد می‌کند لذا، ضروری است که در مورد پیامدهای سیاسی، اجتماعی این پروژه مطالعات لازم صورت گیرد و این مقاله در جهت نیل به این مهم می‌باشد.

۲. چهارچوب نظری: نظریه بحران لوسین پای

بدیهی است که هر تغییری در ظرفیت، برابری و ابعاد انفکاک نشانگان توسعه لاجرم بر فرهنگ سیاسی توده‌ها و فرهنگ سیاسی نخبگان تأثیر می‌گذارد. تا جایی که فرهنگ‌های مزبور پذیرای چنین تغییراتی باشند، دینامیک عادی جوامع در حال نوسازی را به نمایش خواهند گذاشت. یک بحران هنگامی آغاز می‌شود که جوهره خاص فرهنگ سیاسی نخبگان یا توده‌ها، و یا هر دو باعث گسترش کشمکش‌های ذاتی میان مثلاً، برابری و ظرفیت شوند به طوری که به عنوان تهدیدی عظیم برای حاکمان یا فرمانبرداران یا هر دو، به حساب آید. در این حالت، مردم وحدت بنیانی جامعه را زیر سؤال می‌برند و بحران هویت را موجب می‌گردند و یا ممکن است احکام و مقررات حکومت را زیر سؤال برده و بحران مشروعیت را باعث شوند (پای، ۱۳۸۰: ۱۶۲). کشورهای جدیدی که بعد از فرایند دولت - ملت تشکیل شدند در مسیر نوسازی و توسعه سیاسی همواره با بحران‌های روبه‌رو بوده و هستند. از این بحران‌ها می‌توان بحران مشروعیت، هویت، نفوذ، مشارکت و توزیع را نام برد. این بحران‌ها در کشورهای تازه تأسیس خاورمیانه که

دارای تنوع قومیتی و فرهنگی هستند به شکل بارزی وجود دارند. بحران نفوذ، بحران میزان کنترل مؤثری است که دولت مرکزی دارد. بحران مشارکت، مشکل کسانی است که در تصمیمات دولتی مشارکت می‌کنند (افرادى که بر تصمیمات تأثیرگذارند). بحران مشروعیت بر مبنایی دلالت دارد که بر اساس آن و به میزانی که تصمیم‌های دولت توسط مردم یک جامعه پذیرفته می‌شود. بحران توزیع به حیطه اشاره می‌کند که در آن تصمیم‌های دولت برای توزیع مجدد یا توزیع انتفاعات غیر مادی و مادی در یک جامعه اعمال می‌شود. اما بحران هویت به مجموعه از افراد اشاره می‌کند که فرض می‌گردد به طور مناسب در میان قلمرو تصمیم‌گیری دولت قرار دارند (وربا، ۱۳۸۰: ۴۶۰ و ۴۵۹). هر یک از بحران‌های مشارکت، هویت، توزیع و یا نفوذ می‌توانند باعث ایجاد بحران مشروعیت شوند، زیرا که همه بحران‌ها به گونه مشروعیت نظام را زیر سؤال می‌برند (پای، ۱۳۸۰: ۲۰۶). حوزه بحران‌های مشروعیت، هویت، مشارکت، نفوذ و توزیع، بیانگر مجموعه از بحران‌های دائمی برای هر جامعه هستند. آن‌ها نهایتاً هیچوقت حل نخواهند شد. بحران‌ها نشان‌دهنده مراحل برای حل مسائل هستند اما می‌آیند و می‌روند. (وربا، ۱۳۸۰: ۴۶۴).

جمهوری ترکیه از ابتدای تأسیس دچار بحران‌های هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع در رابطه با کردها می‌باشد. لوسین پای بیان کرده که «در حقیقت، پایان عمر امپراطوری عثمانی و تشکیل کشورهای جدید خاورمیانه، باعث ایجاد رشته‌هایی دائمی از بحران‌های مشروعیت شده است.» (پای، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

۱-۲. بحران هویت لوسین دلیو پای

بحران هویت و مشروعیت بحران‌های فرهنگ سیاسی هستند، این دو تعیین‌کننده نحوه نگرش مردم به سیاست، دیدگاه آنان نسبت به قدرت و برداشت آنان نسبت به نقش واقعی حکومت بوده و همین‌ها هستند که جوهره و میزان وفاداری آنان را به نظام مربوطه تشکیل می‌دهند (پای، ۱۳۸۰: ۱۶۱). زمانی که وحدت بنیانی یک جامعه زیر سؤال برود بحران هویت و با زیر سؤال رفتن مقررات و احکام حکومت بحران

مشروعیت ایجاد می‌گردد. روش‌های گوناگونی برای تعریف و توصیف بحران هویت در فرایند توسعه وجود دارد. پای برای بحران هویت چهار شکل را تعریف کرده است.

۲-۲. انواع چهارگانه بحران هویت

۱) اولین بحران هویت به احساسات مربوط به سرزمین و رابطه فضای جغرافیایی با احساسات ناسیونالیستی ارتباط می‌یابد. ۲) دومین بحران زمانی رخ می‌دهد که ساختار اجتماعی و به‌ویژه تقسیمات طبقاتی چنان گسترش یابد که مانع وحدت ملی کارآمد گردد. ۳) سومین بحران هویت با تعارض میان هویت‌های فروملی یا هویت‌های قومی مشترک سروکار دارد. ۴) چهارمین شکل بحران هویت در اثر پیامدهای روانشناسانه تغییر اجتماعی سریع و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می‌شود. این نوع از بحران هویت، عموماً شکل احساسات عمیقاً مختلط راجع به جهان مدرن و سنت‌های تاریخی یک فرد را به خود می‌گیرد (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۰). در رابطه با بحران هویت در کردهای ترکیه بحران اول و سوم قابل بررسی است. بحران اول شامل مقوله هویت ملی است که در ابتدایی‌ترین شکل خود، با نوعی احترام به مرزهای جغرافیایی یک کشور و پذیرش آن توسط تمامی کسانی دارد که در درون آن مرزها قرار دارند و همگی در میثاقی مشخص و مشترک در باب جامعه‌ای عالی‌ه سهم‌اند. در تعدادی از کشورهای تازه تأسیس به علت ماهیت ساختگی مرزهای فیزیکی، بحران هویت به شکل فوری تبدیل گردید. مادامی که عناصر جمعیت ساکن در داخل سرزمین مزبور نتوانند هیچ پیوندی با نظام حاکم برقرار کنند یا مادام که اکثریت عناصر نظام مزبور نتوانند سهم بودن جمعیت‌های (از نظر سرزمینی) حاشیه در نظام حکومتی و استفاده از آن به عنوان ملاک تعیین هویت خود را بپذیرند بحران هویت ادامه خواهد یافت (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۴). برای حل بحران‌های هویت متکی بر گروه‌های قومی یا فروملی دو راه حل اساسی همگون‌سازی^۱ و همزیستی^۲ مبتنی بر درجه‌ای از احترام و تحمل متقابل وجود دارد. حل بحران هویت بوسیله همزیستی نه فقط مستلزم میزانی از تحمل بلکه نیازمند اعتقاد به

۱. Assimilation

۲. Accommodation

این امر است که حمایت مشترک از مقوله ملیت برای همه گروه‌ها سودمندتر از موجودیت‌های جداگانه و رقابت آمیز آن‌ها است. (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۷). از آنجایی که برای ایجاد ملت در وهله اول، حل بحران هویت امری حیاتی است، از این رو این بحران معمولاً بحرانی است که از حیث توالی بحران‌های توسعه قبل از همه آن‌ها روی می‌دهد. (پای، ۱۳۸۰: ۱۸۵). ترک‌ها وطن و مرزهای سیاسی را ملاک تعریف ملت قرار دادند و منظور ترک‌ها از وطن عبارت بود از «سرزمینی که حافظ موجودیت تاریخ قدیمی و متعالی ملت ترک در اعماق خاکش بوده و امروزه محدود به مرزهای سیاسی موجود است.» (آکین، ۲۰۰۹: ۴) صادق ملکی تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی می‌گوید: «آتاترک و یارانش، نام جمهوری را ترکیه و اساس هویتی آن را بر مبنای قومیت ترک بنا کردند. آتاترک در تبادل جمعیتی، ترک و مسلمان را معادل هم تعریف نمود. اما نه کردها ترک و نه علویان از جنس حاکمان اهل تسنن بودند. لذا جمهوری تازه تأسیس شده از همان آغاز تأسیس خود، با بحران تعریف هویتی مواجه شد» (۱۳۹۶، <http://irdiplomacy.ir>). در ذیل نمودار بحران هویت ترکیه ترسیم شده است.





امتناع ترک‌ها از به رسمیت شناختن هویت کردی و هم‌زمان استفاده از ابزارهای همگون‌سازی باعث مقاومت کردها و بروز بحران هویت شد. حل بحران هویت اولین گام حیاتی در فرایند ملت‌سازی است که ترک‌ها موفق به حل آن نشدند و بعد از گذشت بیش از نود سال از زمان تأسیس جمهوری ترکیه هنوز حل نشده باقی مانده است. یکی از اقداماتی که برای رفع این بحران صورت گرفته است پروژه گاپ است.

۳. پروژه گاپ

۳-۱. گاپ چیست؟

گاپ مخفف پروژه آناتولی جنوب شرقی به زبان ترکی است.^۱ منطقه گاپ شامل استان‌های کردنشین آدیامان^۲، باتمان^۳، دیاربکر^۴، غازی عیتتاپ^۵، کیلیس^۶، سیرت^۷، شانلی اورفا^۸، ماردین^۹، شرناخ^{۱۰} و ده درصد از کل مساحت و جمعیت ترکیه می‌باشد. تقریباً یک پنجم از کل زمین قابل آبیاری و یک سوم پتانسیل انرژی ترکیه در این منطقه واقع شده است. وضعیت منطقه از نظر رشد سالانه جمعیت، نرخ باروری، بعد متوسط خانوار، میزان مرگ و میر نوزادان و میزان بیکاری بالاتر از میانگین ملی است. با این حال، از نظر نرخ شهرنشینی و متوسط ارزش افزوده ناخالص سرانه زیر سطح میانگین ملی است (Bilgen, 2018:130).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. GAP= Güneydoğu Anadolu Projesi
2. Adıyaman
3. Batman
4. Diyarbakır
5. Gaziantep
6. Kilis
7. Sirt
8. Şanlıurfa
9. Mardin
10. Şırnak

جدول شماره ۱- ویژگی‌های کلی منطقه گاپ

پارامتر	منطقه گاپ	ترکیه	نسبت
مساحت کل (کیلومتر مربع)	۷۵۱۹۳	۷۸۰۰۰۰	۹.۷
جمعیت (x10 ⁶)	۷۸۲	۷۴.۷	۱۰.۵
منابع آبی (بیلیون مترمکعب)	۵۲.۹	۱۸۶.۱	۲۸.۴
زمین قابل آبیاری (هکتار x10 ⁶)	۱۸۲	۸.۵	۲۱.۴
پتانسیل برق آبی (Twh)	۲۷.۵	۱۲۲	۲۲.۵

رود دجله در شرق ترکیه از رشته کوه توروس سرچشمه می‌گیرد. ۴۰ درصد آب آن از ترکیه، ۵۱ درصد آن از عراق و نه درصد از ایران تأمین می‌شود. دجله پس از الحاق به رود فرات و ایجاد منطقه بین‌النهرین به کارون می‌پیوندد و پس از تشکیل منطقه اروند رود به خلیج فارس جاری می‌شود. ۹۰ درصد آب فرات از ترکیه و ۱۰ درصد آن از سوریه تأمین می‌شود. فرات پس از عبور از سوریه در عراق به دجله می‌ریزد.

جدول شماره ۲) اطلاعات رودخانه فرات به طور خلاصه (آکینار، ۲۰۱۳: ۵۰)

موقعیت ساحلی	میزان درصد حوضه آبریز	میانگین آبدهی سالانه: ۵۲ بیلیون متر مکعب
ترکیه - بالادست	٪۳۳	مهم‌ترین استفاده‌های آبی
سوریه - پائین دست	٪۱۹	آبیاری، انرژی، آبرسانی، کنترل سیلاب‌ها
عراق - پائین دست	٪۱۰	آبیاری، آبرسانی، ساکنان باتلاق‌ها
	٪۴۶	
	٪۰	

جدول شماره ۳) اطلاعات رودخانه دجله به طور خلاصه (اکتبر، ۲۰۱۳: ۵)

حوضه آبریز رودخانه ۳۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع، میانگین آبدی سالانه ۵۲ میلیارد متر مکعب		
موقعیت ساحلی	میزان درصد حوضه آبریز	
	میزان درصد میانگین آبدی سالانه	مهم‌ترین استفاده‌های آبی
ترکیه - بالا دست	۱۴/۹٪	آبیاری، تولید انرژی
	۴۰٪	
سوریه در مرز عراق و ترکیه	۳٪	-
	۰٪	
عراق - پائین دست	۷۵/۳٪	آبیاری (آب را از طریق کانال تارتار به سمت فرات منحرف می‌کند)، تولید انرژی
	۵۱٪	
ایران - بالادست در یک شاخه	۰٪	-
	۹٪	

هفت سد بر روی فرات و پنج سد بر روی دجله تکمیل شده است. مهم‌ترین سد ساخته شده روی فرات سد آتاترک است این سد بزرگ‌ترین سد خاوریمنانه و نهمین سد بزرگ جهان است. سد آتاترک از پتانسیل ذخیره همه آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است. بزرگ‌ترین سد بر روی دجله سد ایلیسو است.



شکل ۱- منطقه اجرای پروژه گاپ (هومس و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰)

۳-۲. مراحل تکاملی پروژه گاپ

سیر تاریخی پروژه گاپ را می‌توان در شش دوره قرار داد.

از دهه ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰

ایده ساخت سد و نیروگاه بر روی فرات به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد، زمانی که مصطفی کمال آتاتورک^۱، بنیان‌گذار جمهوری، این ایده را بر اساس شیفتگی‌اش به برنامه‌های اتحاد جماهیر شوروی^۲ بر روی رودخانه دنی^۳ معرفی کرد (Turgut,2000:47). در سال ۱۹۳۶ اداره توسعه و منابع انرژی تشکیل شد و مطالعاتی را هدایت کردند که در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ پایان یافتند. اما ایده پروژه گاپ بعد از تأسیس اداره کل آبرسانی دولتی (DSİ)^۴ در سال ۱۹۵۴ از بهم پیوستن طرح‌های منفرد ایجاد شد. در ابتدا گاپ توسط اداره کل آبرسانی دولتی به عنوان یک ترکیب از ۱۳ پروژه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات با هدف توسعه منابع آبی، آبیاری و تولید برق برنامه‌ریزی شده بود. در سال ۱۹۶۴، اداره کل آبرسانی دولتی گزارشی اکتشافی برای حوضه رودخانه فرات، پروژه ساخت دو سد و دو نیروگاه بر روی دهانه سد کبان^۵ تدوین کرد (DSI, GAP,2012:2). ساخت سد کبان در سال ۱۹۶۶ بر روی رودخانه فرات شروع شد. اداره کل آبرسانی دولتی در سال ۱۹۶۸ گزارش مقدماتی و اکتشافی برای حوضه آبریز دجله و پروژه ساخت ۲۰ سد و ۱۶ نیروگاه تدوین کرد. در سال ۱۹۷۷، تعداد سدها و نیروگاه‌های که قرار بود ساخته شوند دوباره تعدیل و تغییر یافتند. سرانجام همه پروژه‌ها برای رودخانه‌های دجله و فرات با یکدیگر ادغام شدند و به گاپ تغییر نام داد. انتظار غالب این بود که گاپ به سرعت مشکلات اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - سیاسی منطقه را حل کند. از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد، تمرکز فنی گاپ محدود شد.

1. Mustafa Kemal Atatürk
2. Soviet Union's
3. Dnieper
4. Devlet Su İşleri Genel Müdürlüğü
5. Keban

از اواسط دهه ۱۹۸۰ - ۱۹۸۹

در سال ۱۹۸۶، سازمان برنامه‌ریزی دولت (DPT)^۱ جای‌گزین اداره کل آبرسانی دولتی شد و شروع به اجرای شماری از تغییرات نهادی به منظور اداره کردن بهتر پروژه کرد. واحدهای مختلفی از قبیل گروه تحقیق و توسعه، واحد مدیریت پروژه و گروه پروژه آناتولی جنوب شرقی در درون سازمان برنامه‌ریزی دولت تأسیس شد. تدوین برنامه جامع گاپ و ایجاد اداره توسعه منطقه‌ای گاپ "GAP-BKI"^۲ در ۱۹۸۹ یک تأثیر قدرتمند روی مسیر بعدی پروژه داشت. اولین بار در برنامه جامع گاپ علاوه بر منابع زمین و آب، محیط زیست، منابع مالی و انسانی نیز به عنوان منابعی که نیاز به توسعه دارند شناسایی شدند. سناریوی اصلی تبدیل منطقه گاپ تا سال ۲۰۰۵ به یک پایگاه صادرات مرتبط به کشاورزی در سه مرحله آماده سازی برای برخاست، بازسازی اقتصاد و تسریع رشد و رشد پایدار بود. انتظار می‌رفت منطقه گاپ به یکی از مراکز رشد و صنعتی نه تنها در ترکیه بلکه در کل خاورمیانه تبدیل شود (Millî Güvenlik Kurulu, 1993:226).

از ۱۹۸۹-۱۹۹۳

از سال ۱۹۸۹ به بعد تأکید شده که گاپ فقط شامل طرح‌های آبیاری سدها نیست بلکه شامل «کشاورزی، حمل و نقل، امکانات زیر ساختی، زیر ساخت‌های شهری و روستایی، سرمایه‌گذاری در صنعت، تجارت، بهداشت، آموزش، مسکن و خدمات می‌باشد. هدف این طرح افزایش سرمایه‌گذاری و درآمد در منطقه، بهبود بهداشت، آموزش، حمل و نقل و خدمات زیرساختی در مناطق شهری و روستایی، افزایش فرصت‌های اشتغال و حل سایر مشکلات اقتصادی - اجتماعی مشابه بود. به طور خاص، هدف این طرح اصلاح شکاف‌های باقی مانده از طرح اصلی و قبلی گاپ بود (Bilgen, 2018:137).

1. Devlet Planlama Teşkilatı
2 GAP Bölge Kalkınma İdaresi

از سال ۱۹۹۴ به بعد

این دوره با یک «تغییر جهت‌گیری مجدد افراطی به سمت مردم منطقه نسبت به پروژه توسعه آب محور» مشخص شده است و شاهد تلاش‌هایی برای «پیشبرد منطقه - که به عنوان عقب مانده دیده می‌شود- از نظر آموزش، کشاورزی، روابط جنسیتی، شرایط محیط زیست و مشارکتی» بود. رویدادهای جهانی مانند کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۲، چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ و اجلاس جهانی توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ نیز گنجاندن چنین مفاهیمی را در گاپ تسهیل می‌کند. در سال ۱۹۹۸ آشکار شد که گاپ نمی‌تواند تا سال ۲۰۰۵ به دلیل بحران‌های اقتصادی، سیاسی و درگیری‌های نظامی به طور کلی و به طور خاص فعالیت‌های حزب کارگران کردستان (PKK) و تغییر چشم‌انداز اجتماعی سیاسی منطقه گاپ در دهه ۱۹۹۰ تکمیل شود. بعد از کمیته بین‌اداری اجرا و هماهنگی تصمیم گرفته شد گاپ تا سال ۲۰۱۰ تکمیل شود. این ایده با یک برنامه جدید نمایان شد. "جهانی‌سازی رویکردهای جدید توسعه و روابط بین‌المللی" به عنوان دلایل اصلی طرح جدید ذکر شدند. این طرح در نهایت هرگز عملی نشد. علت آن تا حدودی ظهور مفاهیم جدید توسعه که وارد چهارچوب گاپ شده و به عنوان پاشنه آشیل روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بود. در این مرحله مسیر پروژه دوباره تغییر کرد (Bilgen,2018:143).

از سال ۲۰۰۲ به بعد

بعد از به دست آوردن وضعیت نامزدی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹، به عنوان شرایط بالقوه عضویت کامل در اتحادیه اروپا، ترکیه موظف شد مفهوم خود را از توسعه منطقه‌ای تغییر دهد و یک طرح با هدف کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای تدوین کند. دولت ترکیه تلاش کرد تا با اجرای این تغییرات کمک‌های مالی اتحادیه اروپا، مشوق‌ها و بودجه‌ها را برای اهداف توسعه منطقه‌ای دریافت کند کمک‌های مالی و حمایت‌های اتحادیه اروپا تفاوت معناداری در گاپ ایجاد کرده است. ایده ساختن پتانسیل محلی به موتور توسعه در این دوره رایج شد. به جای فقط تمرکز بر روی منطقه گاپ، پیشنهاد آن پروژه‌های توسعه بود که باید در سراسر ترکیه گسترش یابد.

هدف اصلی برنامه تسریع زمان اجرای پروژه و تکمیل آن تا سال ۲۰۱۲ بود. این طرح شامل چهار محور اصلی توسعه: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت سازی نهادی بود (GAP- Bki, 2008: 9).

از سال ۲۰۱۲ به بعد

با وجود اهداف بلندپروازانه برنامه اقدام گاپ قادر نبود تا سال ۲۰۱۲ تکمیل شود. وزیر وقت توسعه آن زمان جودت یلماز^۱، دوره بعد از سال ۲۰۱۲ را به عنوان " دوران جدید گاپ" نام‌گذاری کرد و گفت: " گاپ قدیمی بسته شده است و گاپ جدید باز شده است." (Bilgen, 2018: 148). برنامه اقدام مشترک گاپ ۲۰۱۸-۲۰۱۴ تدوین شد. طرح جدید با روش‌های مشارکتی تهیه شده بود و تحت تأثیر برنامه دهم توسعه (۲۰۱۸-۲۰۱۴) و استراتژی ملی توسعه منطقه‌ای (۲۰۲۳-۲۰۱۴) بود. در برنامه جدید «افزایش قابلیت زندگی در شهرها» به عنوان محور پنجم توسعه به محورهای توسعه موجود و مشخص در طرح قبلی افزوده شد و ساختارهای دو پروژه در هم ادغام شدند ((GAP- Bki, 2014: 36). اگر پروژه گاپ را یک طیف در نظر بگیریم در ابتدای طیف و سال‌های آغازین اهداف آن فنی، اقتصادی و غیرسیاسی بوده و در سر دیگر طیف و در حال حاضر اهداف بیشتر سیاسی است. گاپ به اهداف توسعه‌ای که برای آن ترسیم شده و وعده داده شده بود از قبیل توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت سازی نهادی دست نیافته است و با گذشت زمان محبوبیت اولیه خود را به دلایل فرآیندهای جهانی از قبیل تغییر الگوهای توسعه، پیامدهای زیست محیطی و مخرب برای نواحی پیرامون پروژه و همچنین برای کشورهای پائین دست حوضه رودخانه‌های دجله و فرات از دست داده است.

۳-۳. پروژه گاپ و کشورهای پائین دست حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

سوریه و عراق بخشی از نیازهای آبی خود را از رودهای دجله و فرات تأمین می‌کنند. نیازهای آبی سوریه و عراق برای کشاورزی از رود فرات به ترتیب ۱۱ و ۱۳ کیلومتر مربع است. در حال حاضر ۴۰ درصد آب ورودی به عراق کاهش یافته است و در صورت

تکمیل کامل پروژه گاپ بر روی فرات ۹۰ درصد آب ورودی به عراق و ۴۰ درصد به سوریه کاهش می‌یابد که کیفیت آن نیز پائین می‌آید (مرادیان، ۱۳۸۵: ۱۲۵). بنا به گفته محققان، احداث سد آتاتورک روی رودخانه فرات که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین سدهای پروژه گاپ نام برده می‌شود در بروز خشکسالی و کم‌آبی شدید در سوریه که از حدود سال ۲۰۰۶ آغاز شده است نقش داشته است. خشک شدن مزارع و باغ‌ها و مهاجرت هفتصد هزار روستایی به حاشیه شهرها از جمله عواملی است که به گفته جامعه‌شناسان در بروز ناآرامی‌ها در سوریه نقش داشته است. یکی از دلایل اصلی انقلاب و شورش بر علیه بشار اسد کم‌آبی و خشکسالی بود. اعتراضات زمانی آغاز شد که چندین نفر جوان در شهر درعا در حالی که مشغول ترسیم نقاشی‌های اعتراضی علیه نحوه تقسیم آب بودند دستگیر شدند. دستگیری و شکنجه این جوانان آتش انقلاب در سوریه را شعله ور کرد (مرادی طادی، ۱۳۹۶: ۸۶). در خصوص بهره‌برداری از آب دجله و فرات از دیر باز در میان کشورهای استفاده‌کننده از آن‌ها معاهداتی وجود داشته است. قبل از تشکیل دولت-ملت‌ها در ۲۳ دسامبر ۱۹۲۳ بین بریتانیا و فرانسه کنوانسیون منعقد شد که ماده ۳ آن در مورد بهره‌برداری از فرات و دجله اشاره به تأسیس کمیسیون کرده بود.

در پیمان صلح لوزان ۱۹۲۳ و در ماده ۱۰۹ آن ترکیه موظف شده است که حقوق دوره امپراتوری عثمانی را محترم بشمارد. فرانسه و ترکیه در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ قراردادهای متعددی را در مورد استفاده از آب دجله و فرات منعقد کردند. پس از تکمیل سد آتاتورک بر روی فرات و قطع جریان آب به سوریه و عراق دولت عراق و سوریه خواستار تدوین موافقت‌نامه سه جانبه با ترکیه در مورد میزان آب ورودی شدند. دولت سوریه و ترکیه در سال ۱۹۸۷ پروتکلی را امضاء کردند که در آن ذکر شده بود که ترکیه حق آب‌های ۵۰۰ متر مکعب در ثانیه را به سمت عراق و سوریه جاری کند. در سال ۱۹۹۰ عراق و سوریه توافق‌نامه‌ای را در خصوص میزان دریافت آب امضاء کردند که در آن

۱. ماده ۱۰۹ این معاهده " هر گاه بر اثر تعیین مرز جدید، نظم و جریان آب‌ها در یک کشور به فعالیت‌های دولت دیگر وابسته شود یا اگر بر حسب سابقه استفاده قبل از جنگ، از آب‌هایی که در سرزمین یک دولت جمع و روان می‌شوند، دولت دیگر بهره‌گیر و یا نیروی آبی تولید کند، باید بین دولت‌های ذینفع به گونه‌ای سازش و تفاهم برقرار شود که منافع و حقوق مکتسب هر یک به گونه‌ای سازش و تفاهم برقرار شود که منافع و حقوق مکتسب هر یک محفوظ و در امان بماند، مگر این که به شکل دیگر توافق شود."

تعیین شد عراق ۵۸ درصد و سوریه ۴۲ درصد آب فرات را دریافت کنند (نواری، ۱۳۹۸: ۱۶۶-۱۶۵). اما ترکیه هیچگاه پایبند به قوانین بین‌الملل و توافق نامه‌ها نبوده است و سعی کرده است از آب به عنوان یک ابزار جنگ و قدرت در مناسبات خود با همسایگان استفاده کند که این موضوع در سخنان سیاستمداران آن آشکار است. سلیمان دمیرل نخست وزیر وقت ترکیه در مصاحبه مطبوعاتی هنگام افتتاح سد آتاتورک در سال ۱۹۹۲ اظهار نمود: "کشورهایی مثل عراق و سوریه حق ندارند، سیاست‌های آبی ترکیه را سرزنش کنند، همان طور که ترکیه حق ندارد سیاست‌های نفتی این کشورها را ملامت کند. دجله و فرات و شانه‌های آن، آب‌هایی هستند که از کشور جاری می‌شوند و به ترکیه تعلق دارند. ترکیه هم هر طور که مایل باشد از آب‌هایش استفاده می‌کند." (www.tabnak.ir، ۱۳۹۷). داوود اوغلو وزیر خارجه اسبق ترکیه بیان کرده که "مسئله خاورمیانه که قبلاً تا حد زیادی بر روی معادله فلسطین - نفت جای گرفته بود در ده سال اخیر برای تبدیل به معادله کرد - آب تلاش شده و در این راستا تا حد زیادی نیز موفق بوده است و آشکارترین ارتباط میان آب و موضوع کرد در این عبارت بیان شده: "نفت خزر، حوزه آبی بین النهرین و مناطق نفتی گاپ - موصل و خلیج بصره (خلیج فارس)، بر روی این خط عبوری ارتباط و بستگی جدیدی متشکل از موازنه نفت - آب - نفت ایجاد کرده است. اوجگیری ترور پ.ک.ک پس از بحران خلیج تا حدی نیز حاصل ارتباط و بستگی این اقتصاد جغرافیایی است." و پروژه گاپ که با هزینه‌های سنگین مالی ترکیه در جریان می‌باشد، صرفاً به عنوان بخشی از توسعه اقتصادی تلقی نشده بلکه به عنوان عنصری مهم در مبارزه راهبرد جغرافیایی دراز مدت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است." (داوود اوغلو، ۱۳۹۶: ۴۲۶، ۳۸۸ و ۱۴۲). ترکیه می‌خواهد از آب به عنوان یک کالا به مانند نفت استفاده و آن را مبادله کند. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه در سال ۲۰۱۴ در اجلاس آب، خطاب به کشورهای نفت خیز منطقه اعلام نمود "شما نفت دارید و ما آب" (www.faratab.com، ۱۳۹۵). در سال ۲۰۱۹ پس از آبیگری سد ایلپسو که بر روی دجله احداث شده است، بیش از نیمی از مساحت رود دجله که در عراق جاری است خشک شد و تصاویر آن در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت و موجی از نگرانی و اعتراض را به دنبال داشت. کشورهای عراق و سوریه به دلیل شورش و جنگ‌های داخلی و تضعیف حاکمیت ملی نتوانسته‌اند در مجامع بین‌المللی طرح دعوی کرده و خواستار

حق آبه خود از رودهای دجله و فرات باشند و ترکیه از این وضعیت برای پیشبرد پروژه و اهداف توسعه طلبانه استفاده نموده است.

ایران نیز تا به حال اقدامی عملی در مجامع حقوقی و بین المللی در رابطه با سدسازی های ترکیه اتخاذ نکرده است و مواضع دولتمردان و سیاستمداران نیز با واکنش ترک ها مواجه شده است. رئیس جمهور ایران، حسن روحانی در نشست "مبارزه با گرد و غبار" در ۳ ژوئیه ۲۰۱۷ در تهران با اشاره به سدسازی های ترکیه، آن را یکی از عوامل مؤثر در بیابانزایی ایران دانست (www.dw.com، ۱۳۹۶). وزیر آب و جنگل ترکیه در سال ۲۰۱۷ گفته است که مقامات و مطبوعات ایرانی بدون اسناد علمی ادعا می کنند که سدسازی های ترکیه عامل بحران ریزگردهاست در حالی که از سال ۲۰۱۳ به بعد طوفان شن و ریزگردها کاهش یافته اند و منشاء ریزگردهای که وارد ایران می شود از عربستان سعودی، سوریه، عراق و حتی لیبی و مصر است. سدهای ساخته شده در ترکیه دلیل ایجاد و انتقال ریزگرد نمی شوند. ایرانی که منتقد ترکیه است خودش ۶۴۷ سد ساخته و ۲۶۰ سد دیگر را نیز در دست ساخت دارد (قائم مقامی، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۱۴). در سال ۲۰۰۲ یک گروه غیر دولتی تشکیل شده از ۳ سازمان انگلیسی با سفر به عراق و سوریه پژوهشی درباره پیامدهای بالقوه سد ایلسو بر حوضه پائین دست انجام دادند. نتایج حاکی از آن بود که پروژه گاپ باعث کاهش آب ورودی و همچنین کاهش کیفیت آن و افزایش شوری به حوضه پائین دست رودخانه های فرات و دجله است. اجرای کامل گاپ باعث پیامدهای منفی عمده خواهد بود. اقدامات ترکیه در تضاد با توافقنامه ها و پروتکل های است که با کشورهای حوضه دجله و فرات امضاء کرده است و همچنین نقض قوانین بین المللی است. گروه به این نتیجه رسید که تهدید تأمین آب عراق و سوریه واقعی است. مجامع بین المللی باید ترکیه را مجبور به توافق با سوریه و عراق کنند و تا آن هنگام پروژه سدسازی و کمک های مالی بین المللی به آن متوقف شود. ترکیه باید به گروه های که از کاهش جریان و کیفیت آب آسیب دیده اند غرامت پرداخت کند (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۶: ۵۸-۵۷).

۱۰۳





۴. بحران هویت، مسئله کردی و پ.ک.ک در ترکیه

مسئله کردها در خاورمیانه یک مسئله ساختاری و تاریخی است که از زمان استعمار و به علت مرزهای مصنوعی ایجاد شده و تا به امروز ادامه دارد و یکی از منابع اصلی بحران در منطقه خاورمیانه است. اکثریت جمعیت ساکن در جنوب شرقی آناتولی کرد هستند. در سال ۱۵۱۴ در جنگ چالدران میان صفویه و عثمانی بخش بزرگی از ایران که عمدتاً کردنشین بودند از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی شدند در سال ۱۹۱۶ مطابق با قرارداد سایکس-پیکو سرزمین عثمانی مابین انگلیس و فرانسه تقسیم شد که در جریان استقلال و پایان قیومیت کشورهای سوریه، عراق و ترکیه ایجاد شدند. در سال ۱۹۱۸ فرانسه و انگلیس در پیمان سور با ایجاد یک دولت کردی موافقت کردند اما در کنفرانس لوزان این موافقت را نادیده گرفتند و علی رغم مبارزات کردها، دولت مستقل کردی تشکیل نشد و مناطق کردنشین عثمانی در بین این سه کشور تقسیم شدند (یلدز، ۱۳۹۰: ۱۸ و ۲۲). در ترکیه کردها همگام با ترک‌ها در مبارزات استقلال شرکت کردند اما پس از تشکیل جمهوری در قانون اساسی ترکیه در سال ۱۹۲۴ فقط هویت ترکی و اقلیت یهودی و مسیحی به رسمیت شناخته شد و هر گونه صحبت و استفاده از نام‌ها و نشان‌های کردی ممنوع اعلام شد و با مجازات سنگین مواجه بودند. در این قانون، ترکیه بر اساس یک ساختار سیاسی بنا شده و شامل جامعه ترک بود که از دین و نژاد آزاد و مبین هم وطنی و هویت ملی بود: "برای اهالی ترکیه به صرف هم وطن بودن و بدون تفاوت در دین و نژاد ترک اطلاق می‌شود." (آگه، ۲۰۰۹: ۴) در این دوره کردها مجبور به بیان شعار آتاترک شدند: "چه خوشبخت است آن کس که گوید من یک ترک هستم" و این نوشته در تمام میداین شهرهای کردنشین نصب شد و در برنامه صبحگاهی همه مدارس قرار گرفت. فروغی علت گرایش آتاترک را به پان ترکیسم سؤال می‌کند او پاسخ می‌دهد: ما مثل شما ایرانیان دولتمداری و تاریخ دیرینه نداریم و ناچاریم برای خود هویتی ایجاد کنیم. (ملکی، ۱۳۹۶: ۲۵). در جمهوری ترکیه، اساس هویت ملی، زبان و فرهنگ ترکی و مرزهای سیاسی ملاک آن قرار گرفت. اما همانگونه که لوسین پای می‌گوید صرف مرزهای سیاسی کافی نیست بلکه پذیرش مرزها توسط تمام افرادی که در درون آن مرزها قرار گرفته‌اند و به آن احترام می‌گذارند بسیار مهم است و اینکه همگی این افراد در جامعه مشترک سهیم باشند. در ترکیه کردها مرزهای سیاسی آن را نپذیرفتند و ترک‌ها نیز کردها

را در ترکیه با خود سهیم نکردند و این آغازگر بحران هویت در ترکیه بود. در یک نظام حکومتی نوساز، اساس باید ظرفیت نوساز آن باشد که دارای دو بعد مهم همگراکننده و عملکردی است. هدف عملکردی پیشینه سازی میزان تحقق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است و تا جایی که ظرفیت کلی نظام برای توسعه بیشتر تخریب نگردد، این حقوق با مفاهیمی چون شهروندی و برابری در چارچوب یک دولت مدرن توأم خواهد بود. (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۴۴). اما ترکیه از ظرفیت خود برای دولت‌سازی استفاده نکرد و حقوق شهروندی کردها را به رسمیت نشناخت. روش آتاتورک برای حل بحران هویت در ترکیه به جای استفاده از روش مسالمت آمیز بر پایه همگون سازی قرار گرفت. گام اول این همگون سازی تهی کردن کردها از فرهنگ، زبان آداب و رسوم کردی بود در نتیجه آن پس از تصویب قانون اساسی و به دنبال آن تعطیلی مدارس آموزشی کردی، نام و زبان کردی و محرومیت کردها از آزادی‌های فرهنگی و سیاسی باعث قیام‌های از جمله قیام شیخ سعید شدند که به بدترین شکل ممکن این قیام‌ها سرکوب شدند. اما این روش نتوانست باعث همگون سازی کردها شود در نتیجه به حذف فیزیکی و ارباب کردها روی آوردند تا بازماندگان قتل‌عام‌ها خود به علت ترس هویت ترکی را پذیرا شوند در نتیجه آن بیش از ۹۰۰ روستای کردنشین ویران و ۱۵۰۰۰ کرد را کشتند. دولت ترکیه در ادامه سیاست‌های خود تصمیم به تبعید و مهاجرت وسیع کردها گرفت که برنامه‌های جابجایی کردها در ۱۹۳۷ باعث قیام درسیم شد. نتیجه قیام قتل‌عام دسته‌جمعی درسیم بود. در این قتل‌عام‌ها عملیات‌های تحت عنوان "رودخانه" و "برف‌روبی" صورت گرفت. در عملیات رودخانه مردان کرد را در کوهستان جمع‌آوری می‌کردند و می‌کشتند و در عملیات برف‌روبی بچه‌ها و زنانی که در روستاها باقی مانده بودند قتل‌عام می‌کردند. نتیجه این اقدامات امنیتی کردن کردستان، فقر و محرومیت مناطق کردنشین بود. در پی کشتارها و قتل‌عام‌ها کردستان برای مدت‌ها در اغما فرو رفته و مسئله کرد تقریباً به فراموشی سپرده شده بود. از نظر اقتصادی-اجتماعی کردها در وضعیت اسفبار قرار داشته و نسبت به سایر مناطق ترکیه از توسعه محروم شدند. این محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها باعث تشکیل گروه‌ها و احزاب کردی شده است. مهم‌ترین این حزب‌ها حزب پ.ک.ک می‌باشد که توسط عبدالله اوجالان و دوستانش با جدا شدن از حزب چپ کارگری ترکیه تشکیل شده است که سال‌هاست در تقابل با دولت ترکیه قرار گرفته و مبارزه می‌کنند (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۶۵۵).



ظهور پ.ک.ک باعث مطرح شدن دوباره مسئله کردی در ترکیه شد. آغاز درگیری میان ترکیه و پ.ک.ک از سال ۱۹۸۴ ریشه در سرکوب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مردم کرد از زمان تأسیس دولت-ملت در آن کشور است. اولین درگیری پ.ک.ک با دولت ترکیه که به طور مستقیم با آب مرتبط بود مربوط به امضاء قرارداد همکاری اقتصادی ترکیه و سوریه در سال ۱۹۸۷ بود که در مبادله برای دسترسی سوریه به ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه آب بیشتر از فرات دولت سوریه قول داد حمایت خود را از پ.ک.ک متوقف کند. با این حال استفاده از جریان‌های آب مرزی بر علیه پ.ک.ک تنها یک بخش از سیاست‌های آبی مورد استفاده به وسیله دولت ترکیه بود (Meijer, 2018:7). سدهای گاپ یکی از موارد اختلاف میان دولت ترکیه و پ.ک.ک هستند. دولت ترکیه تأکید می‌کند که هدف پروژه گاپ رفاه مردم کرد است اما پ.ک.ک سدها را ضد مردم کرد می‌داند و به آن‌ها حمله می‌کند.

۴-۱. برنامه آشتی ملی حزب عدالت و توسعه برای حل بحران هویت ترکیه و مسئله

کردی

با پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ارتباط کردها و دولت ترکیه وارد مرحله جدیدی شد. این حزب گامی بزرگ به منظور آشتی با کردها برداشت و به دنبال امنیت‌زدایی از مسئله کردها بود.

اصلاحات قانونی باعث حضور پویای زبان کردی در زندگی مردم کرد شد. شعار حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ حل مسئله کردی بود. اردوغان اقدام به برچیدن شعار آتاترک "چه خوشبخت است آن کس که گوید من ترک هستم." از میدین شهرهای کردنشین کرد. این دولت اصلاحاتی چون "رعایت حق شهروندی و حقوق بشر، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی، لغو مجازات اعدام، لغو حالت فوق العاده در مناطق کردنشین و گسترش آزادی بیان" انجام داد. در نتیجه این اقدامات برای اولین بار در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷، ۲۴ نماینده با هویت کردی و به نمایندگی از کردها وارد مجلس شدند. اردوغان در سال ۲۰۰۹ فرآیند "گشایش دموکراتیک" را آغاز کرد. هدف این فرآیند امنیت‌زدایی از مسئله کردها و عادی‌سازی آن و فراهم کردن راه حلی با ابزارهای دموکراتیک و مدنی برای صلح بود و اصلاحاتی را در شناسایی فرهنگ و هویت کردی و زبان کردی انجام داد. این اقدامات باعث اقبال بیشتر کردها به حزب عدالت و

توسعه شد کردها در انتخابات ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ که منجر به پیروزی اردوغان شد از او حمایت کامل کردند. دولت اردوغان به منظور حل مسئله کرد مذاکرات متعددی را با عبدالله اوچالان انجام داد. در این مذاکرات مقرر شد که طی چند مرحله مسئله کردی حل شده و پ.ک.ک خلع سلاح شود. در مرحله اول برقراری آتش بس بود که آتش بس برقرار شد و مذاکرات ادامه یافت. در مرحله بعدی نیروهای پ.ک.ک به همراه سلاح خود و به صورت مخفیانه عقب نشینی کردند. مرحله سوم شامل تغییرات مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۴۲ و ۶۲ قانون اساسی بود که کردها نسبت به آن معترض بودند. مرحله چهارم شامل خلع سلاح کردن پ.ک.ک و مرحله آخر بازگشت اعضای پ.ک.ک به خانه و شرکت در فرآیند سیاسی بود. فقط مرحله اول و دوم انجام شد و بقیه مراحل ناتمام و مسئله کردی لاینحل باقی ماند. این مسئله متأثر از عوامل داخلی و خارجی بود.

۴-۱-۱. عوامل داخلی شکست سیاست آشتی ملی

از عوامل داخلی می توان به عدم وجود اراده لازم سیاستمداران ترکیه برای حل ریشه‌ای مسئله کرد و واکنش احزاب ناسیونالیسم و سکولار از اصلاحات انجام شده اشاره کرد. دولت ترکیه در برنامه آشتی ملی اقدامات جدی و اساسی از قبیل به رسمیت شناختن هویت کردی و تغییر قانون اساسی انجام نداد و به دادن امتیازاتی سطحی اکتفا کرد. دمیرتاش رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها - که مهم ترین حزب قانونی کرد ترکیه است و مخالفان از آن به عنوان حزب سیاسی پ.ک.ک یاد می کنند- از اصلاحات حزب عدالت و توسعه با عنوان «چیز جدیدی نبود» نام برده که به وسیله مبارزات سیاسی در خیابان‌ها به دست آمده است. اصلاحات دموکراتیک حل مسئله به صورت مقطعی بوده و از حل ریشه‌ای آن به ویژه با تحولات جدید منطقه‌ای عاجز بود. اصلاحات اردوغان باعث شکاف بین حزب عدالت و توسعه با ناسیونالیست‌های ترکیه شد. اردوغان برای جلوگیری از تزلزل قدرت حزب خود و جذب آراء احزاب ناسیونالیست در انتخابات ۲۰۱۱ موضع خود در قبال کردها را تغییر داد. این تغییر موضع باعث جذب آراء ناسیونالیسم و سکولار شد اما شکاف کرد و ترک را افزایش داد. وقایعی چون "اعتراضات پارک گزی" و سرکوب شدید اعتراضات مردم کرد از مقاومت کوبانی باعث تشدید وضعیت شد. سه سخنرانی اردوغان " در ترکیه مسئله کردها وجود ندارد"، " با تروریست‌ها بر سر یک میز مذاکره

نخواهیم نشست "کوبانی در حال سقوط است"، نشان دهنده تغییر سیاست حزب عدالت و توسعه در قبال کردها و شکست روند مذاکرات صلح با "پ.ک.ک" بود (فرحمند، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

۴-۱-۲. عوامل خارجی شکست سیاست آشتی ملی

از عوامل خارجی می‌توان بهار عربی و تحولات کردستان را نام برد. ترکیه از ابتدای تأسیس با مسئله کردها چه در داخل و چه در خارج به صورت امنیتی برخورد می‌کرد و از شناسایی کردها خودداری می‌کرد. در سال ۱۹۹۳ تورگوت اوزال رئیس جمهور اسبق ترکیه تحت تأثیر رویدادهای عراق با کردهای عراق دیدار انجام داد. پس از سقوط صدام روابط اقلیم و ترکیه وارد مرحله جدیدی شد و در سال ۲۰۰۸ مقامات ترکیه دولت اقلیم کردستان را به رسمیت شناختند.

تغییر موضع ترکیه در قبال تحولات کردستان و کردها ناشی از منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک ترکیه بود. از نظر اقتصادی اقلیم بازار مصرف بزرگ ترکیه است و منابع نفت و گاز اقلیم یک انتخاب راهبردی برای ترکیه است. ترکیه از اقلیم کردستان به عنوان عامل مهمی در ایجاد توازن قدرت در منطقه و در برابر ایران استفاده می‌کند. همچنین ترکیه می‌خواست همزمان با طرح آشتی ملی و بهبود روابط با اقلیم کردستان از نفوذ بارزانی در میان مردم کرد ترکیه و بهره‌برداری از اختلافات پ.ک.ک و حزب دموکرات کردستان عراق برای حل مسئله کردی استفاده کند. اما بهار عربی، ظهور داعش و تحولات سوریه باعث تغییر موضع اردوغان در برنامه آشتی ملی شد. در سال ۲۰۱۱ پس از تحولات سوریه روابط بشار اسد رئیس جمهوری اسد با کردهای سوریه دچار تحول شد. اسد برای مبارزه با داعش، کنترل مناطق کردنشین در سوریه را به کردها سپرد. این مناطق هم مرز با مناطق کردنشین ترکیه هستند و اردوغان از ترس ایجاد "اقلیم خودمختار کردستان سوریه" شبیه عراق از داعش در مقابل کردهای سوریه دفاع کرد. ترکیه سعی کرد از نفوذ بارزانی در میان کردهای سوریه استفاده کند. اما کردهای وابسته به بارزانی نفوذ کمتری در بین کردهای سوریه دارند. مهم‌ترین حزب کردی در سوریه حزب اتحاد دموکراتیک ملی گرا است که به عنوان شاخه سوری حزب پ.ک.ک شناخته شده است. ترکیه نتوانست روابطی مشابه با روابط اقلیم کردستان با کردهای سوریه ایجاد کند و رفتاری خصمانه با کردهای سوریه

در پیش گرفته است. به علت نزدیکی کردهای سوریه و ترکیه این اقدامات باعث اخلاص در روند آشتی ملی شده است. اردوغان در حال حاضر به شدت کردها را سرکوب و اقدام به تخریب و تعطیلی احزاب کرد و زندانی کردن اعضای آن می‌کند. در سال ۲۰۱۹ اقدامات اردوغان باعث ائتلاف حزب دموکراتیک خلق‌ها مهم‌ترین حزب قومیتی این کشور با اپوزیسیون برای جلوگیری از پیروزی حزب عدالت و توسعه شد. در انتخابات شهرداری‌ها ۲۰۱۹، شهرداران منتخب مردم کرد در شهرهای کردنشین دیاربکر، مردین و وان را به بهانه ارتباط با پ.ک.ک برکنار کرده است و تظاهرات مردم کرد در اعتراض به این وضعیت را به شدت سرکوب نموده و اقدام به بازداشت گسترده افراد کرد در ۲۹ استان ترکیه به بهانه عضویت در پ.ک.ک کرده است. هیئت اجرایی حزب دموکراتیک خلق این اقدام را یک " کودتای سیاسی " عنوان کرده که " برخلاف خواسته کرده است ". احمد داوود اوغلو و عبدالله گل نیز از این اقدام انتقاد کرده و آن را خلاف دموکراسی دانسته‌اند (www.isna.ir، ۱۳۹۸). امروز بسیاری از اعضا احزاب کردی و نمایندگان مردم کرد از قبیل صلاح الدین دمیرتاش در زندان‌های ترکیه به سر می‌برند. اردوغان در روز جشن زبان ترکی در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۹ بیان کرده است که " زبان ترکی که در میان زبان‌های نادر جهان جای دارد، در این خاک‌ها که قرن‌هاست میزبان تمدن‌های متفاوتی بوده است، سبب تشکیل فرهنگ ملی و هویت ملی شده است. " (www.trt.net.tr، ۱۳۹۸). این سخنان اردوغان که ناشی از همان هویت ملی بر اساس زبان ترکی می‌باشد در کشوری که بخشی از جمعیت آن غیر ترک است و وجه اشتراک فرهنگی، نژادی و تاریخی با ترک‌ها ندارند به روشنی نمایانگر بحران هویت در این کشور و عدم وجود اراده لازم برای حل آن است. پای می‌گوید " مادامی که عناصر جمعیت ساکن در داخل یک سرزمین نتوانند هیچ پیوندی با نظام حاکم برقرار سازند یا مادام که اکثریت عناصر نظام مزبور نتوانند سهم بودن جمعیت‌های (از نظر سرزمینی) حاشیه در نظام حکومتی و استفاده از آن به‌عنوان ملاک تعیین هویت خود را بپذیرند بحران هویت ادامه خواهد یافت. " (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

۵. پروژه گاپ و مسئله کردی در ترکیه

ارتباط بین گاپ و مسئله کردی چیست؟ سه عقیده در رابطه با ارتباط پروژه گاپ و مسئله کردی در ترکیه وجود دارد: ۱- گاپ طرح استراتژیک ضد کرد است. ۲- گاپ یک راه حل

برای حل درگیری و مسئله کردی است و باعث حل بحران‌ها می‌شود. پروژه گاپ وضعیت اجتماعی و اقتصادی منطقه و مردم محلی را بهبود خواهد بخشید و در شرایط بهتر باعث وفاداری به دولت و توقف حمایت از پ.ک.ک خواهد شد و در نهایت منجر به حل مسئله کردی خواهد شد. ۳- گاپ اساساً یک پروژه خنثی و غیرسیاسی است (Meijer, 2018:10).

۵-۱. پروژه گاپ و بحران هویت کردها

ترکیه با استفاده از پروژه گاپ به دو شکل همگون‌سازی (کوچ اجباری مردم کرد و ادغام آن‌ها با مردم ترک و با تخریب آثار باستانی و نشانه‌های فرهنگ و هویت کردی) و بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه کردی به دنبال حل بحران هویت کردها و ادغام آن‌ها در هویت ترکی بوده است

۵-۱-۱. کوچ اجباری مردم کرد ساکن در محل پروژه گاپ به غرب ترکیه و ادغام آن‌ها با مردم ترک و حذف پ.ک.ک

ساخت سدهای گاپ منجر به جابجایی تعداد زیادی از مردم آناتولی جنوب شرقی شده است. سد ایلیسو به تنهایی زندگی ۷۸ هزار نفر از مردم را تحت تأثیر قرار داده است و در کل پروژه‌های گاپ ۳۵۰۰۰۰ هزار نفر از مردم آواره شده‌اند (Meijer, 2018:7). بخش بزرگی از آوارگان را مردم کرد تشکیل می‌دهند گر چه دولت برنامه‌هایی برای تأمین خسارت وارد شده دارد اما همچنان بخش بزرگی از مردمی که جابه‌جا شده‌اند آواره هستند. این جابه‌جایی منجر به پراکندگی جمعیت کرد شده است و گفته شده است که با تکمیل نهایی پروژه گاپ بیش از دو میلیون کرد مجبور به مهاجرت به مناطق مرکزی و غرب ترکیه خواهند شد. که این باعث شده بسیاری از محققان اظهار کنند که دولت ترکیه از ساخت سدها به عنوان روشی برای انجام سیاست‌های همگون‌سازی و سرکوب استفاده کرده است. پراکنده کردن جمعیت کرد باعث کاهش پایگاه واحد حمایت از پ.ک.ک شده است. سدهای ایجاد شده در کنار مرز ترکیه، عراق و سوریه یک مانع برای مبارزان پ.ک.ک هستند که عبور آن‌ها را داخل ترکیه متوقف کرده‌اند. بدین ترتیب سدها مکانیسم‌های کنترل مرزها برای راه‌های سربسته کوهستانی که توسط مبارزان پ.ک.ک

مورد استفاده قرار می‌گرفتند منحرف کردند. ملاحظات امنیتی گاپ در مراحل ابتدایی پروژه به سختی قابل توجه است. اما بعدها در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به موازات تشدید شدن فعالیت‌های پ.ک.ک، گاپ نیز به عنوان یک پروژه امنیتی در نظر گرفته شده و به عنوان یک ابزار مکمل در جنگ و درگیری مورد استفاده قرار گرفت. یک نامه مخفی نوشته شده به وسیله رئیس جمهور سابق تورگوت اوزال به نخست وزیر سابق سلیمان دمیرل در ۱۹۹۳ نشان می‌دهد که چگونه آب عمداً به عنوان قدرت سخت در مبارزه علیه پ.ک.ک مورد استفاده قرار گرفته: «با تخلیه شهرک‌های کوهستانی، سازمان تروریستی پ.ک.ک مجزا خواهند شد. نیروهای امنیتی باید فوراً حرکت کنند و این مناطق را کاملاً کنترل کنند و برای جلوگیری از بازگشت مردم محلی به منطقه، ساختن تعداد زیادی از سدها در مکان‌های مناسب یک جای‌گزین است.» (Meijer, 2018:8).

۵-۱-۲. تخریب آثار باستانی و فرهنگی و نشانه‌های هویت کردی

یکی دیگر از اهداف استراتژی گاپ تخریب فرهنگی است که این تخریب فرهنگی یکی دیگر از روش‌های هویت زدایی از کردها است. مناطق آنتولی که در آن‌ها سدهای گاپ ساخته می‌شوند توسط کردها به عنوان قلمرو اجدادی شناخته شده‌اند. سیلاب‌های ایجاد شده به وسیله سدها آسیب‌های جدی به مکان‌های تاریخی و مهم کردها وارد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین آثار باستانی که از بین خواهد رفت شهر تاریخی و باستانی حسن کیف^۱ است. این شهر باستانی در کرانه رود دجله در استان باتمان در جنوب ترکیه قرار دارد. با تکمیل شدن و آبیگری سد ایلیسو بخش‌های از شهر باستانی حسن کیف که برای ساختمان‌های باستانی معروف است به زیر آب خواهد رفت و بیش از ۲۰۰ زیستگاه و ۳۰۰ اثر باستانی نابود خواهد شد. بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ به علت عدم موفقیت خود در حفظ استانداردهای محافظت از میراث فرهنگی در طی این پروژه، از ادامه سرمایه‌گذاری خودداری و آن را متوقف کرد.

برای جلوگیری از تخریب این شهر باستانی اعتراضات زیادی صورت گرفته است اما ترکیه بدون توجه به اعتراضات و نگرانی‌های بین المللی سد ایلیسو را تکمیل کرده است. ارکان آبیوگا، از متخصصان آبشناسی آلمان و سخنگوی جنبش زنده نگه‌داشتن حسن

1. Hasankef

کیف، گفته است " تنها ثمرهٔ این سد برای ما، نابودی و سرنگونی خواهد بود. ما پیشینه تاریخی خود را کاملاً از دست خواهیم داد و این موضوع نه تنها به میراث محلی و بومی ما، بلکه به میراث جهانی ما برمی گردد." (www.kojaro.com، ۱۳۹۶) (تخریب میراث فرهنگی به عنوان یک استراتژی جنگ شناخته شده و اهمیت آن در جنگ تحت عنوان کنوانسیون‌های ژنو حاکم بر هدایت جنگ به رسمیت شناخته شده است).

۱-۵-۳. همگون‌سازی کردها با استفاده از بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در منطقه گاپ

نگاه اقتصادی، پارامتر دیگری در هویت زدایی و تحلیل کرد به شمار می‌آید. رژیم در این راستا پروژه گاپ را طراحی کرده است. اسماعیل بشکیچی^۱ فیلسوف و اندیشمند ترک هدف اصلی پروژه گاپ را خدمت‌گذاری به مناطق غرب می‌داند تا شرق ترکیه و در جای دیگر درباره هدف اصلی گاپ بیان می‌کند دولت ترکیه به گاپ به عنوان وسیله برای هموار کردن زمینه در خدمت سیاست تحلیل بردن می‌نگرد (محرابی، ۱۳۹۰: ۲۰۵). اجرا کردن پروژه گاپ برای تحلیل بردن جامعه کرد در اندیشه اوزال رئیس جمهور پیشین ترکیه که گاپ را محصول فکر خود برای توسعه کردستان می‌دانست کاملاً آشکار است. راه حل اوزال برای حل مسئله کرد بیش از آن که مصالحه فرهنگی یا سیاسی باشد آمیزه از اقتصاد و جذب بود. می‌گفت نیاز به زمان و شکیبایی داریم، بیست سال پیش ۹۰ درصد کردها در شرق و جنوب شرق زندگی می‌کردند الان فقط ۶۰ تا ۶۵ درصد در شرق آنکارا زندگی می‌کنند. بیست سال دیگر فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد در آنجا باقی خواهند ماند. (راندل، ۱۳۷۹: ۳۶۴). گاپ به تدریج به بخشی از استراتژی امنیتی دولت ترکیه تبدیل شده است بدان معنا که با ایجاد وابستگی اقتصادی مردم کرد به دولت، تأمین آبیاری، آموزش و پارانه دولتی کردها به ترک‌های مدرن وفادار به دولت تبدیل شوند. ارتباط میان برنامه توسعه آبی و امنیت به این معنی است وزارت توسعه ترکیه تنها بر پایه سود و صنعت بودجه برای توسعه را لحاظ نمی‌کند بلکه سرمایه‌گذاری بر بازگشت وفاداری مردم به دولت ترکیه انجام می‌شود. بنابراین، در حالی که گفتمان رسمی دولت سدهای گاپ را به عنوان هدیه به مردم کرد معرفی می‌کند کمک به مردم کرد محلی تنها عملکرد آنها نیست. بلکه

1. İsmail Beşikçi

واقعیت نشان می‌دهد که سودهای ناشی از توسعه آب برای جوامع کرد همچنان اندک است و در طول زمان گاپ با جابجایی مردم و مرزهای طبیعی، تصرف و تخریب فرهنگی به یک ابزار جنگ تبدیل شده است. علی‌رغم ادعاهای دولت ترکیه در مورد اهداف توسعه‌ای پروژه گاپ و توسعه انسان محور، امروزه هدف اصلی دولت ترکیه استفاده از آب برای اهداف سیاسی در داخل و خارج ترکیه است. در داخل با استفاده از گاپ به دنبال حل بحران هویت، مسئله کردی و حذف پ.ک.ک است که پیامدهای آن جابجایی جمعیت، تولید مرزهای طبیعی و تخریب میراث فرهنگی کرد بوده است و در سیاست خارجی ترکیه در پی هژمونی در منطقه خاورمیانه، نئوعثمان‌گرایی و مبادله آب در برابر نفت است که نتیجه چنین سیاستی شورش و ناآرامی در کشورهای سوریه و عراق، مهاجرت و... است.

نتیجه‌گیری

پروژه گاپ به دلیل عدم حل بحران هویت در ترکیه نه تنها باعث حل مسئله کردی نشده است بلکه پیامدهای منفی دیگری را نیز به دنبال داشته است و هزینه‌های سنگینی را به دولت ترکیه تحمیل کرده است. پروژه گاپ نقص مواد ۲۶، ۲۷، و ۲۹ قطعنامه رعایت جوامع بومی و همچنین ماده اول اعلامیه حقوق بشر و نیز کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی است. تجربه ترکیه نشان داده است که مسئله کردی و بحران هویت وابسته به آن با همگون‌سازی قابل حل نیست و مادام که دولت ترکیه از برنامه‌ها و پروژه‌های مانند گاپ به دنبال حذف هویت کردی است نمی‌تواند از بحران‌ها عبور کند.

ترکیه در فرایند دولت - ملت‌سازی شکست خورده است. ضروری است بحران هویت با به رسمیت شناختن حقوق انسانی کردها و حقوق شهروندی برابر با سایر مردم ترکیه، وجود اراده لازم برای اصلاح قانون اساسی، عمل به وعده‌های داده شده و هدایت مبارزات مسلحانه به فعالیت‌های سیاسی و حزبی مسالمت آمیز با فراهم کردن امکان مشارکت سیاسی در اداره کشور که باعث احساس تعلق کردها به کشور ترکیه گردد حل و فصل شود. با توجه به موقعیت کردها و تحولات منطقه به ویژه مناطق کردنشین خاورمیانه، عدم حل این بحران می‌تواند باعث تجزیه ترکیه شود.

منابع

آگه، آکین (۲۰۰۹)، «جایگاه ترک بودن در ملی گرائی رسمی ترکیه: تحلیل سازمان‌های رسمی که با محوریت ترک‌های خارج فعالیت می‌کنند»، **مجله جامعه و علم**، شماره ۱۱۶، صص ۲۷-۱.

پای، لوسین دبلیو، بایندر، لئونارد، کلمن، جیمزاس، لاپالومبارا، جوزف، وربا، سیدنی، واین، مایرون (۱۳۸۰)، **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**، غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جمالی، حسین، خانی، حسین (۱۳۸۸)، «اتحادیه اروپا، ترکیه و تحول در حقوق فرهنگی کردهای ترکیه (۲۰۰۲-۱۹۹۱)»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره ۲، صص ۵۷-۷.

چگنی‌زاده، غلامعلی، آثارتمر، محمد (۱۳۸۸)، «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال اول، شماره ۲، صص ۲۱۸-۱۸۵.

داود اوغلو، احمد (۱۳۹۵)، **عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی**، محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

دستمالی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «ترکیه و چالش کردی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۹، شماره ۱۷۶، صص ۱۷۱-۷۱.

راندل، جاناتان (۱۳۷۹)، **با این رسوایی چه بخشایشی (تحلیل مسائل سیاسی کردستان)**، ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید.

شهرابی فراهانی، عباس (۱۳۹۶)، «پائین دستی‌های "گاپ" گزارشی از پیامدهای ترکیه در عراق و سوریه» **تجارت**، شماره ۲۲۹، صص ۵۹-۵۶.

عصراری، مهتاب (۱۳۹۷)، «آثار حقوقی پروژه گاپ بر تعهدات دولت ترکیه نسبت به دجله و فرات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران.

صادقی، سید شمس‌الدین، رحیمی، احمد (۱۳۹۶)، «دیاسپورای کرد و نقش منافع ژئوپلیتیک در تحول راهبرد ترکیه نسبت به کردهای عراق و سوریه (۱۳۹۵-۱۳۸۲)»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۷ شماره ۲، صص ۴۳۰-۴۱۱.



قائم مقامی، سیدعلی (۱۳۹۶)، «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۷-۹۷.

فرحمند، صغری، سمیعی، علیرضا (۱۳۹۷)، «تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی تا سیاست سرکوب (۲۰۱۵-۲۰۰۲)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شماره ۱۱۸، صص ۹۰-۳۴. قمرنیا، هوشنگ، گلچین، مهرداد (۱۳۹۶)، بررسی پروژه‌های گاپ و سد ایلیسو ترکیه و اثرات آن بر ایران و کشورهای خاورمیانه، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه (سرزمینی - دفاعی - اقتصادی - اجتماعی)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

مرادی طادی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «آب و سیاست: نگاهی به فرآیند سیاسی شدن آب»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۴)، صص ۹۰-۷۱.

محرابی، علیرضا، غم پرور، احمد (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۷(۲)، صص ۲۱۳-۱۸۳.

مک دوال، دیوید (۱۳۸۰)، تاریخ معاصر کرد، ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید. موسوی قرالری، علی نژاد، حامد (۱۳۹۴)، «کاربست نظریه‌های چندفرهنگی گرایی در تبیین فرآیند صلح ترکیه با کردهای این کشور»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۳)، صص ۱۰۴-۷۹.

نواری، علی (۱۳۹۸)، «بهره‌برداری از سد ایلیسو در ترکیه و موازین حقوق بین‌الملل آب»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، تابستان، ۶۳(۳)، صص ۱۸۹-۱۶۱.

ایسنا (۱۳۹۸)، «برخورد پلیس ترکیه با معترضان در دیاربکر در پی برکناری شهرداران»، <https://www.isna.ir/news/98052914008>

تابناک (۱۳۹۷)، «سیاست آب بازی ترکیه و مصیبت‌هایی که متوجه ایران، عراق و سوریه است!»، www.tabnak.ir/fa/news/795494/

تی، آر، تی (۱۳۹۸)، «زبان ترکی سبب تشکیل فرهنگ ملی و هویت ملی شده است»، <https://www.trt.net.tr/persian/trkhyh/1276557>

حسینی، محبوبه (۱۳۹۶)، «حصن کیفا، شهری شناور با قدمت ۱۰ هزار سال در ترکیه»،
<https://www.kojaro.com/128573>
 دویچه وله (۱۳۹۶)، «غبارروبی از کنفرانس بین‌المللی مقابله با گرد و غبار در تهران»،
<https://www.dw.com>
 کشاورز، حیدر (۱۳۹۵)، «سیاست‌های آبی ترکیه و بحران آب در خاورمیانه تب آلود»،
www.faratab.com/news/4806
 ملکی، صادق (تیرماه ۱۳۹۶)، «اردوغان درصدد تغییر بافت جمعیتی در مناطق کردی است».
 بحران هویتی در ترکیه»،
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1970055>

Bilgen, A (2018), The southeastern Anatolia Project(GAP) from 1977 to 2017: A Qualitative and Multidimensional Analysis of the 40 years of GAP, **New Perspectives on Turkey**, no.58:125-154.
 kpinar,A;Onsoy,H; Komurcu,M,I;&Bayram, A (2013), The south – eastern Anatolia Project (GAP) in Turkey and Middle East in Terms of Economic, Strategic and Politic, **International Balkans Conference on Challenges of Civil Engineering, BCCCE**, Epoka University, Tirana, Albania,874-982.
 Kurt,C (2013), The impact of the Southeast Anatolia Project(GAP) on displaced families: Household Livelihoods and gender relations, for Degree of Doctor of Philosophy, Newcastle.
 Meijer, Laura (2018), The Southeastern Anatolia Project (GAP): Water Counterinsurgency and Conflict. **Kuwait Program at Sciences Po**.
 Tsakalidou, I (2013), The Great Antolian Project: Is Water Management a Panacea or Crisis Multiplier for Turkeys Kurds? New Security Beat, Environmental Change and Security Program, <http://www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/167922/> www.gap.gov.tr

منابع ترکی

DSİ,GAP (2012), Ülkemizin En Büyük Projesi Olan GAP ın Dünü, Bugünü ve Yarını, Ankara: Devlet Su İşleri Genel Müdürlüğü.
 GAP – Bki (2008), GAP Eylem Planı(2008-2012),Ankara.
 GAP – Bki (2014), GAP Eylem Planı(2014-2018),Ankara.
 Hulusi Turgut (2000), **GAP ve Demirel**,İstanbul: ABC.
 Milî Güvenlik Kurulu Genel Sekreterliği(1993), Türkiye’de Bölge Planlamasının Evreleri, Ankara.